



دیروز همزمان با روز عید پاک، در مجموعه‌ای از حملات تروریستی، انفجارهای ترسناک در چند کلیسا، چند هتل و یک کارگاه مسکونی در کلمبو پایتخت سری لانکا اتفاق افتاد. منبع: Reuters

نگاه



محمدعلی نویدی

نویسنده و مدرس دانشگاه زاده و منشأ تفکر و اندیشه‌پوریان، چپیت و کجاست، اندیشه‌پوریان، با جامعه سازی و ساخت و بافت اجتماعی انسان چه نسبتی دارد؟ ضرورت آموزش و آموختن اندیشیدن با تاریخ زیستن، چه ارتباط وجدی و اندیشگی دارد. اندیشه‌پوریان ریشه در فطرت و ذات و خاصیت جان و نهاد آدمی دارد؛ زیرا عقل و خرد، مبدأ و مصدر اندیشیدن و دانستن و فهم کردن است؛ این حقیقت را می‌توان هم بی واسطه و هم با واسطه دریافت و درک کرد و نیز در تاریخ اندیشه‌ها، رصد کرد. مثل، آثار ابن سینا و غزالی و دکارت و کانت و هگل و دیگران، بنابراین، خاصیت یعنی «اثر» خرد و اندیشه آدمی، همانا، کنجگویی و جستجوگری و دانستن و شناختن است؛ و پرشی و تردید و نقد و تحلیل و ترکیب، بعد از این مرتبه و ظهور اثر آن می‌آید و قوت و عشق و شوق و دانستن و دریافتن، در ذات عقل و خرد بالقوه، مرکز و مکتون است. خرد نخستین چیزی را که درک می‌کند، به تحقیق، «اثر» است؛ چون اثر، قوت و قدرت برخوردار و مواجهت ایجاد می‌کند؛ زیرا اثر، اصابت است، و اصابت، التفات و توجه پیش می‌آورد؛ التفات و توجه، عین خرد و خاصیت عقل و اندیشه است؛ لذا، مواجهت، بعد از این التفات و عنایت می‌باشد. در مواجهت، توجه و تمایل خرد به جانب خاص، تجلی و تظاهر پیدا می‌کند و بدین سان، فرایند مواجهت تولید می‌شود؛ از آنجا که مواجهت، درونی و بیرونی، شروع می‌گردد؛ این ویژگی عقلانی، موجب پیدایش و وضوح امور جدید و اجزای نو در نزد انسان، می‌شود؛ پس، این فرایند، مولد اثرهای جدید می‌باشد؛ تولید «اثرها» آغاز اندیشه‌پوریان است. مواجهت عقل و اندیشه با خاصیت و واقعیت خود، واقعیت زندگی، جهان، پدیده‌ها، «دیگران» و کنش‌ها و واکنش‌ها، آغاز جامعه سازی و ایجاد مناسبات خردمندانه و اثرپوش اجتماعی، در بین آدمیان است. ضرورت اندیشه‌پوریان، از لزوم و نیاز به این مواجهت‌ها و تولید اثر، ناشی می‌شود. جامعه سازی، یعنی، تولید و ترویج و تزریق اثرها، در جوانب و ارکان و عناصر اجتماعی و روابط انسانی، تولید و تحرک و تقویت مناسبات جامعه و زندگی جمعی آدمیان، با اندیشه‌پوریان و عمل آوری، نسبت اثر و وجودی دارد؛ یعنی، خرد و اندیشه مصدر اثرها و بلکه اثر اصیل جامعه و اجتماع بشری است. آیا، ساختار مناسبات و ساختار و بافت اصلی جامعه، جز روابط و مناسبات و مبادلات و تعلقات بین افراد، چیز دیگری است؟ و آیا، مناسبات گونه‌گون اجتماعی، جز «اثر» چیز دیگری است؟ تولید و تبادل اثرها، جان و جوهر جامعه هستند و بدون اندیشه‌پوریان، اثرها، پوچ و پوک می‌باشند. بنابراین، مغز و جان اثر، اندیشه و گوهر عقل است، و اصل و اصالت، اندیشه و عقل، اثر است. چون بدون اثر، اندیشه و اندیشه‌پوریان، نهی هستند؛ یعنی، نیستند. اندیشه‌پوریان با جامعه و فرهنگ اجتماعی، نسبت مستقیم دارد؛ یعنی، امکان اندیشه‌پوریان در هر جامعه‌ای فراهم و مهیا نیست و نمی‌شود؛ وضعیت جامعه و میزان و نوع اندیشه‌پوریان، با هم مکمل و ملازم هستند؛ فرض کنید، فکر یک جامعه‌ای، نیاز به اندیشه‌پوریان و تفکر نباشد، یا تفکر و خردورزی، جدی گرفته نشود، پرسش این است که، وضع و حالت آن جامعه، چه منوال و روال پیدا می‌کند؟ یا اگر، مدت مدیدی یک جامعه از اندیشه‌های نو و تفکرات بکر و ابتکارات تازه، بی بهره و بی نصیب باشد، چه وضعی پیش می‌آید؟ اندیشه‌پوریان و قوام و دوام جامعه، نسبت

شعر کهن

امروز با بابا افضل کاشانی

رنگ از گل رخسار تو گیرد گل خود روی
مشک از سر زلفین تو در یوزه کند بوی
شمشاد ز قندت به خم، ای سر دل آرا
خورشید ز رویت دژم، ای ماه سخن گوی
از شرم قلدت سر فرو مانده به یک جای
وز رشک رخت سناه فاده بسه نکاپوی
بسا من به وفا هیچ نگشته دل تو رام
با انسد هجران تو کرده دل من خوی
ناید سختم در تو دل، ز آنکه به گفتار
توان سندن قلمه‌ای از آهن و از روی
ز آن است گل و نرگس رخسار تو سیراب
کز دیده روان کرده‌ام از مهر تو صد جوی
تا بوک سزاوار شوی دیدن او را
ای دیده تو خود را به هزار آب همی شوی
ای دل چه شوی تنگ، چو در توست نشستن
خواهی که ورا یابی، در خون خودش جوی

شعر معاصر

با زهرا داودی (دانا)

قصه شیرین می‌شود در سطرهای آخرش
عطر آزادی نشاند، واژه بر بال و پرش
قصه من بی دریغ با غم، تبانی می‌کند
تاب خود کارم گرفت، منظمه درد آورش
برده در هم میکشد، طوفان پندار سکوت
می‌کشاند رازها در قلمه باورش
فارغ از تن می‌شود جان، در قدمگاه خیال
هجمه بر دل می‌برد، رحیمه ناباورش
ارغوانی نام نماید صحبگانان، زین مجال
طعنه بر شب می‌زند، باده، ز جام و ساغرش
سروش آتش فکند بر سر در اندیشه ام
دست در دست فنا، بر باد داد خاکش

شعر معاصر

با فاطمه اسدی (اسدیف)

دوستان همه حیرت زده می‌پرند
که ای رهرو چارچا منده ای و نمی روی در راه؟
تو دونه بودی و قهرمان ماران
این سکوت و سکون بهر چیست مدت هاست؟
بس که پرسیدند و نشنیدند جواب
بهر چاره رفتند پیش صاحب سوال
او نیز با هزار ترند و تهدید
ناموفق رفت و ماند بی جواب
حال با تو گویم جواب این سوال
داده ام کشش آهنگین خود را
عاریه به یک دوست مدت هاست

گذرگاه تاریخ

همدلی: امروز ۲۲ آوریل است. ۱۱۲ روز از سال ۲۰۱۹ گذشت. دوم اردیبهشت سال ۹۸ است، ۳۳ روز از سال جدید خورشیدی سپری شد.

۶۰ سال پیش در چنین روزی دوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ قیصر امین پور در شهرستان گنبد خورشید متولد شد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به دزفول رفت. امین پور در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی گرفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. قیصر امین پور مجدداً در سال ۱۳۶۳ تغییر رشته داد و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران دنبال کرد و در بهمن ماه سال ۱۳۷۶ با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. دکتر قیصر امین پور از زمره شاعرانی بود که از همان آغاز فعالیت‌های حوزه هنری به جمع گروه شعر آنجا پیوست و همگام با سایر شاعران فعال حوزه هنری در بسیاری از شب‌های شعر برگزار شده در جبهه‌های دفاع جمودات گذشت و راه گشودن و بن بست گشستن و نوآوردن و بهتر نمودن امور انسان و زندگی است. به عنوان مثال و مصداق، به خاصیت و اثر اندیشه‌پوریان، راجر بیکن Roger Bacon در قرن سیزدهم (۱۲۱۴-۱۲۹۴) توجه کنیم. راجر بیکن، کنشیش و فیلسوف و دانشمند بوده است؛ راجر بیکن، در قرن سیزدهم همانند متفکران و اندیشمندان قرون شانزدهم و هفدهم می‌اندیشیده است. یعنی، او پینسرو و جلودار، رئسانس علمی و فرهنگی در اروپا بوده است. راجر بیکن، از ارسطو، ابن هیثم، رابرت گراستانت، ابویوسف الکندی، ابومعشر بلخی و دیگران، تأثیر علمی پذیرفته بود و به علوم تجربی و عقلی تمایل پیدا کرده بود. خرد وی به جانب تجربه و عقل ورزی، معطوف به واقع و زندگی، متمایل گشته بود. در شیمی و کیمیا و طب مهارت پیدا کرده بود «کتاب، آینه کیمیا» به کتاب تاریخ علم‌سازان مراجعه فرمایید. راجر بیکن، در جستجوی اکسیر جوانی و خالص سازی داروها و تولید طلا، تقلاها می‌کرد و به علوم تجربی توجه می‌نمود. معنی این گفتار این است که راجر بیکن، استدلال و برهان ذهنی و کلامی مسیحی را قانع کننده نمی‌دانست و به مشاهده و واقعیت و آزمایش و تجربه و زندگی، توجه داشت و اعتبار قائل بود. یعنی، تلاش می‌کرد، راه جدیدی در اندیشه‌پوریان، بگشاید. نسیم آزادی فکر و نظر با ظهور و تلاش‌های راجر بیکن، در حال وزیدن بوده‌ام؛ جامعه راجر بیکن در سده سیزده اروپا، ظرفیت و تحمل اندیشه‌ها و اندیشه‌پوریان، وی را نداشت؛ بنابراین، اندیشه‌پوریان، وی، عواقب و عقوبات سال‌ها زندان را برای او در پی داشت. این است که وضع جامعه و اندیشه‌پوریان، با هم فریند و به هم وابسته اند، اگر یکی ناخوش باشد، حال دیگری ناخوش خواهد بود. همین نکته در ضرورت اندیشه‌پوریان، شاید، کافی باشد. یک راهکار عملی و کارپسری و اثرپوش، در تمرین و آموزش اندیشه‌پوریان این است که، اندیشه‌پوریان و خنجان فکری و خردمند، برخی از پروژه‌های اجتماعی یا اقتصادی و فرهنگی و غیره را متکفل و منتقل شوند و اثرپوش، اندیشه‌پوریان را نشان دهند و گواه آورند که اندیشه‌پوریان عمل کردن با دمی و یاری بهر جهت عمل کردن، زمین تا آسمان فرق دارد. حصول اثرهای نیک و جامعه ساز و زندگی پرور، جز از طریق اندیشه‌پوریان اثرپوش، ممکن نیست.

۶۰ سال پیش در چنین روزی دوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ قیصر امین پور در شهرستان گنبد خورشید متولد شد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به دزفول رفت. امین پور در سال ۱۳۵۷ دیپلم تجربی گرفت و سپس تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. قیصر امین پور مجدداً در سال ۱۳۶۳ تغییر رشته داد و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران دنبال کرد و در بهمن ماه سال ۱۳۷۶ با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. دکتر قیصر امین پور از زمره شاعرانی بود که از همان آغاز فعالیت‌های حوزه هنری به جمع گروه شعر آنجا پیوست و همگام با سایر شاعران فعال حوزه هنری در بسیاری از شب‌های شعر برگزار شده در جبهه‌های دفاع جمودات گذشت و راه گشودن و بن بست گشستن و نوآوردن و بهتر نمودن امور انسان و زندگی است. به عنوان مثال و مصداق، به خاصیت و اثر اندیشه‌پوریان، راجر بیکن Roger Bacon در قرن سیزدهم (۱۲۱۴-۱۲۹۴) توجه کنیم. راجر بیکن، کنشیش و فیلسوف و دانشمند بوده است؛ راجر بیکن، در قرن سیزدهم همانند متفکران و اندیشمندان قرون شانزدهم و هفدهم می‌اندیشیده است. یعنی، او پینسرو و جلودار، رئسانس علمی و فرهنگی در اروپا بوده است. راجر بیکن، از ارسطو، ابن هیثم، رابرت گراستانت، ابویوسف الکندی، ابومعشر بلخی و دیگران، تأثیر علمی پذیرفته بود و به علوم تجربی و عقلی تمایل پیدا کرده بود. خرد وی به جانب تجربه و عقل ورزی، معطوف به واقع و زندگی، متمایل گشته بود. در شیمی و کیمیا و طب مهارت پیدا کرده بود «کتاب، آینه کیمیا» به کتاب تاریخ علم‌سازان مراجعه فرمایید. راجر بیکن، در جستجوی اکسیر جوانی و خالص سازی داروها و تولید طلا، تقلاها می‌کرد و به علوم تجربی توجه می‌نمود. معنی این گفتار این است که راجر بیکن، استدلال و برهان ذهنی و کلامی مسیحی را قانع کننده نمی‌دانست و به مشاهده و واقعیت و آزمایش و تجربه و زندگی، توجه داشت و اعتبار قائل بود. یعنی، تلاش می‌کرد، راه جدیدی در اندیشه‌پوریان، بگشاید. نسیم آزادی فکر و نظر با ظهور و تلاش‌های راجر بیکن، در حال وزیدن بوده‌ام؛ جامعه راجر بیکن در سده سیزده اروپا، ظرفیت و تحمل اندیشه‌ها و اندیشه‌پوریان، وی را نداشت؛ بنابراین، اندیشه‌پوریان، وی، عواقب و عقوبات سال‌ها زندان را برای او در پی داشت. این است که وضع جامعه و اندیشه‌پوریان، با هم فریند و به هم وابسته اند، اگر یکی ناخوش باشد، حال دیگری ناخوش خواهد بود. همین نکته در ضرورت اندیشه‌پوریان، شاید، کافی باشد. یک راهکار عملی و کارپسری و اثرپوش، در تمرین و آموزش اندیشه‌پوریان این است که، اندیشه‌پوریان و خنجان فکری و خردمند، برخی از پروژه‌های اجتماعی یا اقتصادی و فرهنگی و غیره را متکفل و منتقل شوند و اثرپوش، اندیشه‌پوریان را نشان دهند و گواه آورند که اندیشه‌پوریان عمل کردن با دمی و یاری بهر جهت عمل کردن، زمین تا آسمان فرق دارد. حصول اثرهای نیک و جامعه ساز و زندگی پرور، جز از طریق اندیشه‌پوریان اثرپوش، ممکن نیست.

ویژگی‌های شعری قیصر امین پور

الف) مضمون بکر: هوشیاری و دقت نظر امین پور از او شاعری مضمون یاب و نکته پرداز ساخته است. مضمون یابی و نکته پردازی او از نوعی نیست که وی را از واقعیت‌ها دور ساخته و نازک اندیشی‌های معما گونه را به ذهن و زبانش راه دهد. (مثل شاعران سبک هندی) ویژگی زبان او در عین سادگی و روانی، از زیبایی چشمگیری برخوردار است. در آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ دچار سانحه تصادف در جاده کناره شمال شد و به شدت مجروح شد. شدت جراحات وارده به دکتر امین پور به حدی بود که وی به دفعت تحت عمل‌های مختلف جراحی قرار گرفته و برای ادامه‌معالجات برای مدت کوتاه به کشور انگلستان اعزام شد. وی در سال ۱۳۸۱ تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفت و بهبودی نسبی یافت. دکتر قیصر امین پور در سال ۱۳۶۷ از مؤسسه گسترش هنر، جایزه ویژه نیما پوشش‌چرا دریافت کرد. همچنین در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفعه فدا شده در دهه های ۶۰ و ۷۰ برگزیده شد. سیدسهراب انجام در آبان ماه ۱۳۸۶ درگذشت. پس از مرگ وی میدان شهرداری منطقه ۲ واقع در محله سعادت آباد به نام قیصر امین پور نامگذاری شد.

ویژگی‌های شعری قیصر امین پور

الف) مضمون بکر: هوشیاری و دقت نظر امین پور از او شاعری مضمون یاب و نکته پرداز ساخته است. مضمون یابی و نکته پردازی او از نوعی نیست که وی را از واقعیت‌ها دور ساخته و نازک اندیشی‌های معما گونه را به ذهن و زبانش راه دهد. (مثل شاعران سبک هندی) ویژگی زبان او در عین سادگی و روانی، از زیبایی چشمگیری برخوردار است. در آخرین روزهای سال ۱۳۷۷ دچار سانحه تصادف در جاده کناره شمال شد و به شدت مجروح شد. شدت جراحات وارده به دکتر امین پور به حدی بود که وی به دفعت تحت عمل‌های مختلف جراحی قرار گرفته و برای ادامه‌معالجات برای مدت کوتاه به کشور انگلستان اعزام شد. وی در سال ۱۳۸۱ تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفت و بهبودی نسبی یافت. دکتر قیصر امین پور در سال ۱۳۶۷ از مؤسسه گسترش هنر، جایزه ویژه نیما پوشش‌چرا دریافت کرد. همچنین در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفعه فدا شده در دهه های ۶۰ و ۷۰ برگزیده شد. سیدسهراب انجام در آبان ماه ۱۳۸۶ درگذشت. پس از مرگ وی میدان شهرداری منطقه ۲ واقع در محله سعادت آباد به نام قیصر امین پور نامگذاری شد.

با همین قصه، دلم مشغول بود
خواب هایم، خواب دیو و غول بود
خواب می‌دیدم که غرق آتشم
در دهان ازدهای سر کشم
در دهان ازدهای خشمگین
بر سرم باران گرز آتشین
معو می‌شد نعره هایم، بی صدا
در طنین خنده‌ی خشم خدا
نیت من، در نماز و در دعا
ترس بود و وحشت از خشم خدا
هر چه می‌کردم، همه از ترس بود
مثل از بر کردن یک درس بود
مثل تمرین حساب و هندسه
مثل تئیه پدرم در مدرسه
تلخ، مثل خنده‌ای بی حوصله
سخت، مثل حل صدها مسئله
مثل تکلیف ریاضی سخت بود
مثل صرف فعل ماضی سخت بود
تا که یک شب دست در دست پدر
راه افتادم به قصد یک سفر
در میان راه، در یک روستا
خانه‌ای دیدم، خوب و آشنا
زود پرسیدم: پدر، اینجا کجاست؟
در دل او دوستی جای نداشت
مهربانی هیچ معنایی نداشت
هر چه می‌پرسیدم، از خود، از خدا
زود می‌گفتند: این کار خداست
پرس وجو از کار او کاری خطاست
هر چه می‌پرسی، جوابش آتش است
آب اگر خوردی، عذابش آتش است
تا ببندی چشم، کورت می‌کند
تا شدی نزدیک، دورت می‌کند
کج گشودی دست، سنگت می‌کند
کج نهادی پای، لنگت می‌کند
عادت او نیست خشم و دشمنی

نام او نور و نشانش روشنی
خشم، نامی از نشانی‌های اوست
حالتی از مهربانی‌های اوست
قهر او از آشنی، شیرین تر است
مثل قهر مهربان مادر است
دوستی را دوست، معنی می‌دهد
قهر هم با دوست معنی می‌دهد
هیچ کس با دشمن خود، قهر نیست
قهر او هم نشاند دوستی است
تازه فهمیدم خدایم، این خداست
این خدای مهربان و آشناست
دوستی، از من به من نزدیک تر
از رگ گردن به من نزدیک تر
آن مثل پیش از این را یاد برد
نام او راه هم دلم از یاد برد
آن خدا مثل خیال و خواب بود
چون حیابی، نقش روی آب بود
می‌توانم بعد از این، با این خدا
دوست باشم، دوست، پاک و بی ریا
می‌توانم با این خدا پرواز کرد
سفری ی دل را برایش باز کرد
می‌توان درباری ی گل حرف زد
صاف و ساده، مثل بلبل حرف زد
چکه چکه مثل باران راز گفت
با دو قطره، صد هزاران راز گفت
می‌توان با او صمیمی حرف زد
مثل باران قدیمی حرف زد
می‌توان تصنیفی از پرواز خواند
با القبا سکوت آواز خواند
می‌توان مثل خلفا حرف زد
با زیبایی ی القبا حرف زد
می‌توان درباری ی هر چیز گفت
می‌توان شعری خیال انگیز گفت
مثل این شعر روان و آشنا:
پیش از اینها فکر می‌کردم خدا

پیش از اینها فکر می‌کردم خدا
خانه‌ای دارد کنار ابرها
مثل قصر پادشاه قه
خشتی از الماس خشتی از طلا
پایه‌های برجش از عاج و بلور
بر سر تختی نشسته با غرور
ماه برق کوچکی از تاج او
و فرهنگش و آفرینش
اطلس پیراهن او، آفرینش
نقش روی دامن او، کیهانش
رعد و برق شب، طنین خنده اش
سیل و طوفان، نعره توفنده اش
دکمه‌ی پیراهن او، آفتاب
برق تیغ خنجر او ماهتاب
هیچ کس از جای او آگاه نیست
هیچ کس را در حضورش راه نیست
پیش از اینها خاطرم دلگیر بود
از خدا در ذهن این تصویر بود
آن خدا بی رحم بود و خشمگین
خانه اش در آسمان، دور از زمین
بود، اما در میان ما نبود
مهربان و ساده و زیبا نبود
در دل او دوستی جای نداشت
مهربانی هیچ معنایی نداشت
هر چه می‌پرسیدم، از خود، از خدا
زود می‌گفتند: این کار خداست
پرس وجو از کار او کاری خطاست
هر چه می‌پرسی، جوابش آتش است
آب اگر خوردی، عذابش آتش است
تا ببندی چشم، کورت می‌کند
تا شدی نزدیک، دورت می‌کند
کج گشودی دست، سنگت می‌کند
کج نهادی پای، لنگت می‌کند

مدیر کمیته اطلاع‌رسانی سسی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از استقرار ۱۵ غرفه اطلاع‌رسانی در نمایشگاه کتاب تهران خبر داد.
به گزارش ستاد خبری سسی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، محمدحسین متولی با اشاره به نحوه اطلاع‌رسانی بازدیدکنندگان در سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: تعداد ۱۰۰ اطلاع‌رسان در نمایشگاه کتاب تهران حضور دارند و به اطلاع‌رسانی خواهند پرداخت.
وی ادامه داد: ۱۵ غرفه اطلاع‌رسانی در داخل و خارج سالن‌ها تعبیه شده‌اند که اطلاع‌رسانان در این غرفه‌ها به ارائه خدمات خواهند پرداخت.
وی ادامه داد: همچنین اپلیکشنی نیز برای جستجوی

استقرار ۱۵ غرفه اطلاع‌رسانی در نمایشگاه کتاب تهران



نشانان و کتاب‌ها طراحی شده است که در ایام نمایشگاه کتاب تهران فعال خواهد شد.
سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «خواندن نواستن است» از ۴ تا ۱۴ اردیبهشت ماه در مصلی امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.